

مقدمه

در ادبیات معاصر درباره سبک و ویژگی‌های رفتاری رهبری، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. برای نمونه، می‌توان به تحقیقات دانشگاه ایالت اوهایو و تحقیقات دانشگاه میشیگان و نظریه‌های رهبری اقتضایی و نظریه رهبری وضعیتی اشاره نمود. صاحب‌نظران می‌گویند: انتخاب هر سبک رفتاری توسط رهبر، به چگونگی طرز تفکر و مفروضات وی درباره منشأ قدرت رهبری طبیعت و فطرت انسان‌ها بستگی دارد؛ یعنی اگر رهبری قدرت خود را ناشی از حمایت پیروانش بداند و انسان را موجودی مسئولیت‌پذیر و قابل اعتماد تصور کند، رفتاری مشارکت‌جویانه و انسان‌گرا (رابطه‌گرا) خواهد داشت (رضائیان، ۱۳۸۸، ص ۴۲۸)؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت؛ انتخاب سبک رفتاری توسط رهبر، متأثر از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر وی و سازمان است. از این رو، برای مدیران در نظام اسلامی این پرسش مطرح می‌شود که سبک رفتاری رابطه‌گرا در سازمان، با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟ شاخص‌های اصلی و فرعی آن کدامند؟ این مقاله، برای پاسخ به این پرسش‌ها، به پژوهش در سیره امام خمینی علیه السلام پرداخته است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین منابع پس از قرآن، کتب روایی و سیره معصومان علیهم السلام، سیره امام خمینی علیه السلام است که در بعد نظری، از نظریه‌پردازان برجسته اسلامی است و در بعد رفتاری، از آغاز انقلاب و پس از پیروزی، با سیره مدیریتی و رهبری الهی خویش، نظام جمهوری اسلامی ایران را به بهترین وجه اداره نمود. از این رو، در این مقاله به تبیین ویژگی‌های مبتنی بر سبک رابطه‌گرایانه امام راحل و شاخص‌های مرتبط به آن، در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام پرداخته می‌شود.

مفاهیم و اصطلاحات

۱. رهبری: هر چند تفاوت آرا و نظریه‌ها در مورد مفهوم «رهبری» بسیار است، اما در این تحقیق، تعریف زیر مورد نظر است: «نفوذ در دیگران برای نیل به هدف» (رضائیان، ۱۳۸۸، ص ۴۲۳).
۲. ویژگی: واژه «ویژگی» به خصوصیات فردی متعددی ربط پیدا می‌کند، از آن جمله، جنبه‌های شخصیتی، سرشت، نیازها و انگیزه‌ها و ارزش‌ها را می‌توان ذکر کرد (آزگلی، ۱۳۷۴، ص ۳۶).
۳. رفتار: رفتار عبارت است از یک رشته فعالیت در انسان (رضائیان، ۱۳۸۷ الف، ص ۹۲).
۴. شاخص: شاخص متغیر رفتاری قابل مشاهده است (خاکی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹) که از «ویژگی» حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، هر شاخص، یکی از نمادهای ویژگی رهبری است. برای نمونه،

سبک رهبری رابطه‌گرایانه امام خمینی علیه السلام

مجتبی درودی*

چکیده

مدیران مسلمان با ویژگی‌های رفتاری «رابطه‌گرایانه» خویش در سازمان می‌توانند با رعایت حال کارکنان و اهمیت دادن به آرا، باورها و احساسات آنان، به هدایت و رهبری‌شان پرداخته و از این طریق، بین خود و نیروی انسانی اعتماد و احترام متقابل به وجود آورده، و زمینه تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها را فراهم نمایند، بدین‌سان می‌توانند نقش بسزایی در مدیریت بهینه نیروی انسانی و رشد و تعالی آنان ایفا کنند. از این رو، این مقاله بر آن است تا بر اساس روش توصیفی و تحلیلی به شناسایی و تبیین ویژگی‌های رفتاری مبتنی بر سبک رهبری رابطه‌گرایانه در سیره امام خمینی علیه السلام به‌عنوان الگویی برای مدیران نظام اسلامی پردازد. از یافته‌های این پژوهش، می‌توان به هشت ویژگی اساسی «بصیرت‌بخشی»، «ایجاد تحول روحی و معنوی»، «خدمت‌گذاری»، «مشارکت‌جو»، «وحدت‌بخشی»، «اعتماد به نفس‌بخشیدن»، «سخنگوی پیروان» و «امیدبخشی» اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: رهبری، ویژگی، رفتار، شاخص، سبک، رابطه‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه.

می توان به مفهوم «توجه به محرومان» به عنوان شاخصی که حکایت از ویژگی «خدمت‌گزاری» رهبر می کند، اشاره کرد.

۵. سبک: در تعریف «سبک» تعبیر گوناگونی به کار رفته است که تعریف زیر به لحاظ جامعیت مفهومی، مورد نظر است: «سبک، همان رفتارهای تثبیت شده‌ای است که به صورت ویژگی‌های شخصیتی رهبر شکل گرفته و پیروان، رهبر را با آن ویژگی‌ها می‌شناسند» (از گلی، ۱۳۷۴).

۶. رابطه‌گرایی (رعایت حال کارکنان): حدی است که رهبر اعتماد طرفینی با کارکنان برقرار می‌کند، به فکرهای آنان احترام می‌گذارد و برای احساسات آنان علاقه نشان می‌دهد (رضاییان، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۸۵).

۷. وظیفه‌گرایی (ضابطه‌مندی): حدی است که رهبر نقش خود و نقش‌های کارکنان را بر حسب دست‌یابی به هدف‌های هر واحد تعریف می‌کند. این نقش‌ها، شامل بسیاری از وظایف مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و تمرکز عمده بر مسایل کاری می‌شود (همان).

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به ماهیت و هدف آن، تحقیقی توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات درباره ویژگی‌ها و شاخص‌های رفتار مبتنی بر سبک رابطه‌گرایانه از دیدگاه امام خمینی علیه السلام پرداخته و با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، به تحلیل یافته‌های پژوهشی می‌پردازد.

فرایند تحقیق

در این تحقیق، مضامین در تحلیل محتوای کمی به عنوان واحدهای ثبت انتخاب شدند. این واحد، در انواع پژوهش‌ها و مطالعات علوم انسانی به کار رفته، می‌تواند در تحلیل نظریات ارزش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. «مضامین» به صورت عبارات و جملات و پاراگراف‌ها در نظر گرفته می‌شوند. مضامین استخراج شده در این تحقیق، در تنظیم فیش‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که حتی‌المقدور هر عبارت، دارای یک مضمون باشد. ولی اگر بر مضامین دیگری هم اشاره داشت، آنها هم استخراج شده‌اند. پس از طراحی ساخت مفهومی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، با توجه به پرسش‌های پژوهش، داده‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به این ترتیب، بر اساس هریک از پرسش‌های پژوهش، فیش‌ها به مفاهیم مدیریتی سبک رابطه‌گرایی سازماندهی می‌شوند. سپس، ویژگی‌ها و شاخص‌های

مربوط به آن، از محتوای فیش‌ها استخراج و طبقه‌بندی گردیده و فراوانی آنها محاسبه می‌شود درحالی‌که تأکید بیشتر بر تحلیل محتوای کیفی شده است؛ زیرا آنچه سند (صحیفه ۲۲ جلدی امام) پژوهش قرار گرفته، متنی مدیریتی نیست که به راحتی بتوان اصطلاحات و مفاهیم مورد نظر را شمارش نمود؛ چه بسا موضوعات به گونه‌ای تحت الفاظ عام و یا مشابه بیان شده‌اند که از نظر شمارش عددی، به آسانی قابل طبقه‌بندی نبوده و یا موضوعاتی که از نظر کمی چندان تکرار نشده‌اند، ولی این عدم تکرار، از اهمیت آن در دیدگاه امام راحل نمی‌کاهد. از این رو، تحلیل محتوای کیفی، این نقیصه را جبران می‌کند و می‌تواند با نفوذ در عمق، مقاصد و مفاهیم مورد نظر را کشف و استخراج نماید.

مبانی نظری امام خمینی علیه السلام

نوع نگاه مدیران به انسان در حوزه باورها و نوع انگیزه آنان در انجام عمل در حوزه گرایش‌ها، موجب بروز رفتار آنها می‌شود؛ از این رو، لازم است در سیره امام خمینی علیه السلام به این دو نکته زیر اشاره شود:

۱. انسان‌شناسی: در آغاز تعریف کلی از «انسان» در غرب و نیز در اسلام ارائه گردیده، سپس به

فرازی از کلام امام در این زمینه اشاره می‌شود:

الف. انسان در غرب: در جوامع غربی به علت «بافت مادی صرف» غالباً ارزش‌گذاری‌ها بر پدیده‌های «حیات انسانی» مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و معانی «اومانستی» است. انسان‌شناسان اومانیست در نظریه‌های خود، به دلیل بی‌بهرگی از مکتب وحی «تصورگر انسان»‌هایی هستند که هاله‌ای از توهمات بشری پیرامون او را گرفته است؛ گاه او را موجودی بد ذات و گاه او را خوش ذات و... معرفی می‌کنند (رضاییان، ۱۳۸۷ ب، ص ۳۰۰).

ب. انسان در اسلام: از نظر قرآن، «انسان» موجودی است برگزیده از سوی خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه‌ملکوتی و نیمه‌مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است. از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است. احیاناً انگیزه‌هایش هیچ‌گونه رنگ مادی و طبیعی ندارد. حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است، ولی در برابر خدای خودش وظیفه‌دار است (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲).

امام راحل با رویکرد اسلامی به انسان، در نقد مبانی انسان‌شناسی در غرب می‌فرماید: «شما یک موجود مادی نیستید [به قول] آنهایی که انسان را یک موجود مادی می‌دانند - انسان را مثل سایر

حیوانات می‌دانند - شما یک موجودی هستید که هم جهات مادیت دارید و بالاتر، جهات معنویت» (خمینی، ج ۶، ص ۳۱۰).

۲. انگیزه رفتار: امام راحل با نگاه اسلامی به انسان، انگیزه فعالیت‌های آدمی را بالاتر از دو سطح پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و تأمین نیازهای انسانی، یعنی انجام وظیفه الهی یا «تکلیف‌گرایی» می‌داند: «همه در نظر بگیری خدا به ما وظیفه داده، وظیفه معین کرده، وظیفه خدایی را داریم عمل می‌کنیم.» (همان، ج ۱۹، ص ۴۵۹)

در جایی دیگر می‌فرماید: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم» (همان، ج ۱۲، ص ۳۲۲).

بنابراین، امام در روابط فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون زندگی خویش، بر اساس انگیزه الهی «تکلیف‌گرایی» عمل می‌کرد و در سیره عملی ایشان، «تکلیف‌گرایی» مبنای بروز دو سبک وظیفه‌گرایی و رابطه‌گرایی بود. در این راستا، آن دسته از رفتارهای امام راحل، که بر رعایت قوانین، دستورات و انجام امور مرتبط با ساختار و تشکیلات رسمی اداری نظام دلالت می‌کند، «سبک وظیفه‌گرایانه» امام را شکل می‌دهد و آن دسته از رفتارهای ایشان، که محور آنها، مردم و خدمت‌گزاری به مردم است، «سبک رابطه‌گرایانه» امام را بیان می‌کند.

یادآور می‌شود این مقاله، تنها به تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌های مبتنی بر سبک رابطه‌گرایانه امام خمینی علیه السلام می‌پردازد.

۳. فرایند طراحی ساختار مفهومی: در طراحی ساختار مفهومی مراحل زیر سپری شد: ۱. مطالعه متن صحیفه و استخراج عناوین مرتبط با موضوع تحقیق؛

۲. تعیین عناوین مترادف و نزدیک به یک معنا و انتخاب و جایگزین عناوین اصلی برای آنها؛

۳. طبقه‌بندی عناوین اصلی مبتنی بر سبک رهبری رابطه‌گرا؛

۴. تفکیک ویژگی‌ها از شاخص‌ها؛

۵. سازماندهی ویژگی‌ها و شاخص‌ها و کدگذاری آنها.

سازماندهی ساختار مفهومی به شکل زیر نهایی و تدوین گردید.

کد	موضوع عام (ویژگی)	کد	موضوع خاص (شاخص)	کد	موضوع اخص
۱	بصیرت‌بخشی	۱	توجه دادن به باورها و ارزش‌های دینی	۱	اتکال به خدا
				۲	تمسک به قرآن
				۳	تقوا و اخلاص در عمل
				۴	صداقت و امانت
				۵	ساده‌زیستی
				۶	پاسدار ارزش‌های ملی و مردمی

۷	ارتنای سطح دانش عمومی پیروان	۲	اطلاع‌رسانی	۳	رعایت اولویت	۴	عدم اکتفا به وضع موجود
۱	دشمن‌شناسی و هشدار نسبت به توطئه‌ها	۱	تعمد	۱	فداکاری و شجاعت	۱	عدم بیان مکرر کاستی‌ها و نارسایی‌ها
۲	عبرت‌پذیری از تجارب و تاریخ	۲	شهادت‌طلبی	۲	توجه به محرومان	۲	احترام به آرای پیروان
۱	گزارش عملکرد به پیروان	۳	ایجاد رفاه و امنیت برای همه اقشار	۳	حمایت از پیروان	۳	تجلیل از پیروان
		۴	احترام و تجلیل از پیروان	۴	ایجاد تفاهم و همدلی	۴	قدردانی از پیروان
		۵	مشارکت‌جو	۵	باورکردن پیروان	۵	نصیحت‌پذیری و تحمل انتقادها
		۶	مشورت‌پذیری	۶	مشورت‌پذیری	۶	تواضع
		۷	تعمیم مسئولیت‌پذیری	۷	توصیه به همکاری و تعاون در بین پیروان	۷	ارتباط چهره به چهره
		۸	حفظ پیروان در صحنه	۸	قدرت‌بخشی	۸	ارتباط روحی و عاطفی با پیروان
		۹	تاکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا	۹	تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا	۹	جلب رضایت پیروان
		۱۰	وحدت در هدف	۱۰	وحدت در هدف	۱۰	
		۱۱	وحدت در نیروها	۱۱	وحدت در نیروها	۱۱	
		۱۲	وحدت در روش	۱۲	وحدت در روش	۱۲	
		۱۳	اعتماد به نفس	۱۳	اعتماد به نفس	۱۳	
		۱۴	استقلال فکری	۱۴	استقلال فکری	۱۴	
		۱۵	پرهیز از غرب‌زدگی	۱۵	پرهیز از غرب‌زدگی	۱۵	
		۱۶	عزت‌طلبی	۱۶	عزت‌طلبی	۱۶	
		۱۷	استقامت و تحمل مشکلات	۱۷	استقامت و تحمل مشکلات	۱۷	
		۱۸	نهراسیدن از دشمن	۱۸	نهراسیدن از دشمن	۱۸	
		۱۹	سخنگوی پیروان	۱۹	سخنگوی پیروان	۱۹	
		۲۰	اسلام‌گرایی	۲۰	اسلام‌گرایی	۲۰	
		۲۱	تأمین استقلال	۲۱	تأمین استقلال	۲۱	
		۲۲	تأمین آزادی	۲۲	تأمین آزادی	۲۲	
		۲۳	استقرار حکومت اسلامی	۲۳	استقرار حکومت اسلامی	۲۳	
		۲۴	اجرای عدالت	۲۴	اجرای عدالت	۲۴	
		۲۵	حق‌نظارت و ارزیابی برای پیروان	۲۵	حق‌نظارت و ارزیابی برای پیروان	۲۵	
		۲۶	نوید پیروزی و عظمت	۲۶	نوید پیروزی و عظمت	۲۶	
		۲۷	نوید رفاه	۲۷	نوید رفاه	۲۷	

تحلیل یافته‌ها

با توجه به ساختار مفهومی یادشده، به تشریح و تحلیل ویژگی‌های رفتاری مدیران مبتنی بر سبک رابطه‌گرایی پرداخته و متناسب با هر ویژگی، «شاخص» آن بیان گردیده و به سیره نظری و عملی امام خمینی علیه السلام در صحیفه مستند می‌شود.

سبک رابطه‌گرایی

ویژگی‌های رفتاری که برای رعایت حال مردم و خدمت به آنان از صحیفه امام استخراج شده بیانگر «سبک رابطه‌گرایی» ایشان است؛ این ویژگی‌ها شامل هشت ویژگی «بصیرت‌بخشی»، «ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان»، «خدمت‌گزاری»، «مشارکت‌جو»، «وحدت‌بخشی»، «اعتماد به نفس بخشیدن»، «سخنگوی پیروان» و «امیدبخشی» است:

۱. بصیرت‌بخشی

اولین ویژگی در حوزه رابطه‌گرایی، بصیرت‌بخشی است؛ درپیش از ورود به بحث، لازم است واژه «بصیرت» و «بصیرت‌بخشی» را تعریف نموده، تا کاربرد این لفظ در این تحقیق مشخص گردد. «بصیرت» یعنی روشن‌نگری، روشن‌بینی، و اندیشه عمیق که دارنده آن از هوشیاری، حُسن تشخیص، دید صائب و درک صحیح بهره‌مند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۷) و با به‌کارگیری درست آن، می‌تواند تصمیم و اقدام شایسته را در زمان مناسب از خود نشان دهد. «بصیرت‌بخشی» عبارت است از: توانمند کردن پیروان از طریق انتقال بصیرت (ازگلی، ۱۳۷۴، ص ۳۶)

ویژگی بصیرت‌بخشی دارای هفت شاخص به شرح زیر است:

– توجه دادن به باورها و ارزش‌های دینی: از آنجاکه سیره نظری و عملی امام خمینی علیه السلام برخاسته از نگرش الهی ایشان به پدیده‌ها و رخدادهاست، باورها و ارزش‌های دینی، نقش کلیدی در سخنان، پیام‌ها، رفتارها و عملکردهای ایشان دارد. گستره توجه به باورها و ارزش‌های دینی، نه تنها اخلاقیات، بلکه اعتقادات و احکام را نیز شامل می‌شود و این مجموعه، منظومه معرفتی انسان موحد است که تأکیدی بر «معنویت‌گرایی» است. در اعتقاد حضرت امام، شالوده اصلی ایجاد نهضت اسلامی، حفظ، تثبیت و استمرار نظام که از یک‌سو، مستلزم کشورداری صحیح و از سوی دیگر، صیانت آن از آسیب‌های داخلی و دشمن‌های خارجی است، در گرو توسعه معنویت در میان ملت است. «اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی، بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به

سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست» (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۷).

– تبدیل تهدید به فرصت: آنچه به‌عنوان مانع مسیر حرکت یک پدیده یا در مسیر فرایند یک سیستم اتفاق می‌افتد و یا قرار است اتفاق بیفتد، به‌گونه‌ای که موجب کُند کردن شتاب حرکت، توقف، عقب‌نشینی و یا انحراف و تغییر مسیر سیستم گردد، «تهدید» شمرده می‌شود. در مقابل، دفع و رفع تهدیدها و خنثی‌سازی تلاش‌های رقبا و مخالفان در واکنش مناسب، به‌گونه‌ای که علاوه بر زدودن مانع و ایجاد مصونیت در برابر آن، حصول هدف ممکن شود، به «فرصت» تعبیر می‌شود.

تهدید در نگاه امام خمینی علیه السلام امری بدیهی و مورد انتظار است که بیگانگان و دشمنان برای دست‌یازی به اهداف خود، با توجه به تعارض بنیادینی که با مبانی، اصول و هدف‌های اسلام ناب محمدی دارند، به دشمنی و توطئه علیه مسلمانان می‌پردازند که «اختلاف‌افکنی» میان آنان، از جمله این موارد است.

آمریکا باید به‌حسب آن تزی که دارد و آنکه اختلاف بین مسلمین بیندازد و بهره‌بردار کند و همه حیثیت مسلمین را و دارایی مسلمین را و ذخایر مسلمین را بچاپد و مسلمین را به حال مصرف‌گرا نگه دارد. آنها البته روی مقاصد پلید خودشان این مسائل را پیش می‌آورند و ما هم از آنها توقع اینکه اینطور نباشند، نداریم (همان، ج ۱۵، ص ۴۳۸).

همچنین با تحلیل پدیده‌های تاریخی و عبرت‌پذیری از آنها، می‌توان راه نفوذ دشمن را شناسایی و به خنثی‌سازی ترندها و توطئه‌های آنان برآمد. چنان‌که امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

ما باید از تاریخ عبرت ببریم... در زمان مشروطه آنهایی که می‌خواستند ایران را نگذارند به یک سامانی برسد و چماق استبداد تا آخر باقی بماند بین افراد، دستجات، احزاب اختلاف انداختند... این اختلاف موجب شد که نتوانست مشروطه آنطوری که علمای اسلام می‌خواستند تحقق پیدا بکند. بعد هم این اختلاف موجب شد که یک دسته از آن غریزده‌ها بریزند و به اسم مشروطه بگیرند مقامات را و استبداد به صورت مشروطه بر این ملت تحمیل کنند و دیدید که چه شد. امروز همان روز است. اگر ملت ایران بیدار نشود. اگر علمای اسلام بیدار نباشند... الان... می‌خواهند وضعی را کار کنند که زمان مشروطه کردند و بدانید گناهی به گردن همه ماست (همان، ج ۱۸، ص ۴۱۱).

– ارتقای سطح دانش عمومی پیروان: نیروی انسانی کارآمد گران‌بهارترین منبع سازمانی برای شکوفاسازی استعدادها و دستیابی مستمر به عملکرد محسوب می‌شود. هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود، به نیروی انسانی توانمند و متعهد نیاز دارد. ارتقای سطح دانش پیروان، یکی از راهکارهای

که برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی لازم است، ما بگوییم به مردم که ما چه کرده‌ایم (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۶).

- رعایت اولویت: تعیین و اولویت‌بندی موضوعات و مسایل مهم و کلیدی در قانون‌گذاری، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و اداره امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظام، باید مورد توجه مسئولان، مدیران و کارگزاران قرار گیرد. چنان‌که امام خمینی با بصیرت‌بخشی، نمایندگان مجلس را به رعایت اولویت در طرح قوانین و لوایح فرامی‌خواند تا موجب حل مشکلات اساسی و تدوین سیاست‌های بنیانی در جهت محرومیت‌زدایی از جامعه اسلامی شود:

نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و مواد غیرضروری، به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام غریزه در کمیسیون‌ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی کشور در امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید (همان، ج ۲۱، ص ۵۰).

- اکتفا نکردن به وضع موجود: فطرت نامحدود و کمال‌جوی آدمی همیشه انسان را از خشنود بودن و بسنده کردن به وضع کنونی خویش باز می‌دارد و او را در مسیر رشد و رویش به حرکت در می‌آورد: در فطرت انسان این است که هیچ وقت بس ندارد. فطرت این‌طوری است. شما اگر فرض بکنید که تمام علوم مادی و معنوی را بدانید و بشنوید، یک وقتی در یک جایی... یک علم دیگر هم هست، فطرت شما آن را هم می‌خواهد. غیرمتناهی است فطرت در همه امور (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۷).

۲. ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان

یکی از ویژگی‌های مهم سبک رابطه‌مداری مدیر از دیدگاه حضرت امام، ایجاد تحول روحی و معنوی در نیروها و کارکنان اداری است. ایشان از ویژگی مذکور در حد عالی برخوردار بود. به‌حق می‌توان ادعا کرد پس از پیام‌آوران الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام، هیچ شخصیت دیگری در طول تاریخ همانند امام راحل نتوانسته تغییر و تحول روحی و معنوی در افراد به‌وجود آورد. ایشان میلیون‌ها انسان ضعیف، ستم‌پذیر را به انسان‌های شجاع، فداکار، مقاوم، قهرمان و خدایی تبدیل کرد و شیوه اسلام را راه زندگی آنان قرار داد. از این‌رو، همه مدیران باید با الگوپذیری از حضرت امام، ایجاد تحول روحی و معنوی را در کارکنان سازمان‌ها، سرلوحه کارهای خود قرار دهند. بدین ترتیب، عشق، علاقه و محبت خویش را به حضرت امام در ایجاد روحیه مزبور و حفظ و تداوم ارزش‌های الهی به منصفه ظهور برسانند. چنان‌که ایشان در مورد تحول روحی ملت ایران می‌فرماید:

توانمندسازی است که امروزه در مدیریت منابع انسانی مطرح است. دانش عمومی، عنصری مرکب از علم و آگاهی است که افزون بر ابعاد فردی، دارای ابعاد اجتماعی است. امام خمینی علیه‌السلام در هر موقعیتی بر آموزش و ارتقای سطح دانش پیروان خود تأکید کرده و آن را به‌عنوان یکی از حقوقی که پیروان بر عهده رهبر خود دارند، بازگو می‌کرد:

علم یک حقیقت غیرمتناهی است، انسان اگر در تمام عمر هم تحصیل علم بکند با به آخر نرسانده است. و لهذا سزاوار است که انسان در تمام مراحل عمر مشغول تحصیل علم باشد؛ یعنی همه محتاجیم به اینکه از یکدیگر چیز یاد بگیریم. همه محتاج به تعلیم و تربیت علمی هستیم... تربیت علمی کنیم و سطح معلومات مردم را بالا ببریم و در یک کشوری که در این جهت کامیاب نبوده است. حالا که ما و شما و آقایان متصدی این امر هستیم، باید هم نهضت سوادآموزی توسعه داشته باشد و همه شرکت کنند (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۶).

- اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی فرع اطلاع‌یابی است. در یک تقسیم‌بندی، اطلاع‌یابی از طریق منابع رسمی و یا غیررسمی و یا از طریق تولید اطلاعات به دست می‌آید. مانند اجتهاد که مستلزم موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است.

اطلاعات وسیله‌ای برای دریافت بینش و اطلاع‌رسانی ابزاری است، برای اعطای بینش و بصیرت‌بخشی، به‌عبارت دیگر، اطلاعات، وسیله‌ای است که بین قضاوت‌کننده و واقعیات محیط، پیوند و ارتباط برقرار می‌کند تا چگونگی برخورد او با آن پدیده‌ها مشخص گردد. از این‌رو، با اطلاعات بیشتر، دقیق‌تر و به روز، ضریب خطای یک تحلیل یا تصمیم کاهش می‌یابد. چنان‌که اطلاعات نادرست، کم‌اطلاعی و بی‌اطلاعی بر قضاوت و تصمیم‌گیری افراد، مؤثر و ضریب خطا را افزایش می‌دهد.

در این زمینه، امام راحل در بیانات خود بر اطلاع‌رسانی به مردم تأکید می‌کرد تا با افزایش آگاهی آنان، تبلیغات سوء دشمنان، خنثی شود و دشمن نتواند با سوءاستفاده از بی‌اطلاعی مردم، وقایع را جعل کرده و اذهان مردم را مشوش سازد؛ زیرا ذهن، عاطفه و در نهایت، رفتار از ناحیه اطلاعات تغذیه می‌شود. ایشان خطاب به کارگزاران و مسئولان می‌فرماید:

و عمده نظر به این است که در این سال به این آوارگان، زیاد رسیدگی بشود. و به این مستمندان، به این روستاها زیاد رسیدگی شود. رسیدگی‌ها هم به ملت گفته بشود. مثل اینکه گاهی آقایان، مقدس‌مآبی می‌کنند و خیال می‌کنند که این «ریاست» مثلاً، و حال آنکه گاهی لازم است این... لازم است هرچیزی

شما هم ملاحظه می‌کنید که چند جور تحول، تحول‌های روحی پیدا شد در این جمعیت‌ها؛ یکی که من کرا را گفتم و با هم تکرار می‌کنم. این تحولی [است] که از خوف و ترس به شجاعت متحول شدند (همان، ج ۸، ص ۴۲۴)

- شهادت‌طلبی: پیدایش تحول درونی و معنوی در افراد موجب می‌شود که انسان سخت‌ترین و سنگین‌ترین اعمال را با عشق و علاقه وافر انجام دهد و حتی جان خود را به خطر اندازد؛ زیرا می‌داند شهادت و نیل به لقاء الهی بالاترین مرتبه تعالی و تکامل انسان است. چنین روحیه‌ای می‌تواند پشتوانه نیرومندی برای برانگیختن افراد جهت انجام وظیفه الهی، سازمانی و اجتماعی باشد. هنر حضرت امام این بود که توانست در آحاد ملت چنین تحول عظیم و شگرفی را به وجود آورد:

من امیدوارم که این روحیه در این ملت باقی باشد. با این روحیه که سربازهای ما دارند و پاسدارهای ما دارند و آنهایی که حفاظت این کشور را می‌کنند، این روحیه بسیار ارزشمندی است. شهادت‌طلبی است و خود را به حلقوم مرگ انداختن برای نجات اسلام و نجات کشور، خداوند این روحیه را به همه عنایت کند. مادامی که این روحیه هست... مطمئن باشید که این کشور بیمه است، هرگز نخواهد آسیب دید (همان، ج ۱۶، ص ۲۵).

۳. خدمت‌گزاری

سومین ویژگی برای رهبر رابطه‌گرا، «خدمت‌گزاری» است. چنین رهبری به قدرت و مقام نمی‌اندیشد. این مسئولیت را «امانتی» از سوی مردم و پیروان خویش می‌داند که جهت رشد و تعالی جامعه و پاسداری از باورها و ارزش‌های دینی بر عهده وی گذاشته شده است. از این‌رو، منصب بالاتر، مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند.

حضرت امام با الهام از تعالیم دینی با برقراری ارتباط مناسب با پیروان، خود را خدمتگزار این ملت می‌دانست «من خدمتگزار ملت ایران هستم» (همان، ج ۶، ص ۳۶۴).

- توجه به محرومان: امام خمینی علیه السلام تأکید فراوان در خدمت به محرومان، کوخ‌نشینان و شهیددادگان و به‌طور کلی، «مستضعفان» داشته است و آن را خدمتی بزرگ و عبادتی والا به‌شمار می‌آورد.

گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پاره‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تاسر حد قربانی نمودن، چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند - و ان‌شاء الله خواهند بود - و سر جان را در راه خدا می‌دهند؛ چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲).

و یک جنبه مثبت [این] که تحولی در ایران پیدا شد که نمی‌توانید شما در تاریخ نظری این تحول را پیدا کنید؛ تحولی که تمام قشرها را از وضعی که داشتند، از آن رفتاری‌هایی که داشتند، چه رفتاری‌های مادی و چه رفتاری‌های معنوی، متحول کرد به یک انسان‌هایی که برای خدا، برای اسلام، برای استقلال و آزادی، همه با هم کوشش می‌کنند... (همان، ج ۱۷، ص ۱۱۸).

- تعهد: تعهد به معنای پایبندی به اصول و مقررات سازمان و جامعه است. فرد متعهد، فرد وظیفه‌شناسی است که پی‌گیری بی‌وقفه‌ای در نیل به هدف‌ها دارد. از رهیافت‌های تعهد سازمانی افراد، می‌توان تمایل قوی آنان به ماندن در سازمان، وجدان‌کاری، تلاش فوق‌العاده برای سازمان، نظم و انضباط اجتماعی، خودکنترلی و همواره خود را در محضر خدا و مأموران الهی دیدن برشمرد. منشأ این همه آثار را باید در اعتقاد افراد به غیب و ایمان به آخرت جست‌وجو کرد؛ از این‌رو، زمینه گسترده‌ای برای ایجاد تعهد سازمانی وجود دارد. البته همان‌گونه که حضرت امام نیز بدان تصریح دارد، تحول در سازمان و نظام بدون ایجاد تحول در افراد فایده‌ای نخواهد داشت:

کشور مترقی این است که افرادش مترقی باشند. فرد مترقی آن است که وظیفه‌شناس باشد، وظایف اداری‌اش، وظایف الهی‌اش. اگر انسان وظیفه‌شناس شد، یک انسان مترقی است. یک انسان عادل است. یک مملکتی اگر ان‌شاءالله موفق بشویم، موفق بشوید، به اینکه [در] این مملکت همه وظیفه‌شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود، جمهوری اسلامی این است که اداره مالیه‌اش هم اسلامی باشد. اداره عدلیه‌اش هم اسلامی باشد. تحول باید پیدا بشود. تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند، به مجرد اینکه تحول در نظام باشد و تحول در افراد نباشد. فایده ندارد. برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می‌خواهند پیش ببرند. همین افراد نظام را موعوج می‌کنند، برخلاف می‌کنند (همان، ج ۹، ص ۱۷).

- فداکاری و شجاعت: تحول روحی و معنوی در افراد، بستر مناسبی برای ایجاد فداکاری، ایثار، جهاد و شجاعت است که در جهت پیشرفت، توسعه و تحقق هدف‌های سازمانی و اجتماعی نقش بسزایی دارند. اگر مدیران بتوانند با الگوگیری از حضرت امام، در کارکنان و پیروان خویش تحول روحی و معنوی را ایجاد نمایند، در حقیقت موفق شده‌اند آنان را از بحران‌های اخلاقی و اجتماعی نجات دهند و به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی همچون فداکاری و شجاعت آراسته نموده و سازمان خود را به پیشرفت‌های همه‌جانبه مادی و معنوی برسانند. حضرت امام در این باره می‌فرماید:

یکی از برکات این نهضت قضیه «تحول روحی» در جامعه ما هست... این تحولات روحی به این زودی برای یک شخص هم حاصل نمی‌شود تا برسد به گروه‌ها؛ تا برسد به سرتاسر یک کشور.

- ایجاد رفاه و امنیت برای همه اقشار: یکی از فعالیت‌هایی که رهبران خدمتگزار درصدد تحقق آن در جامعه هستند، برقراری «امنیت، آرامش» و «رفاه» است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی از این مهم به‌عنوان بزرگ‌ترین رحمت و تکلیف یاد می‌کند: «بزرگ‌ترین رحمت برای ما و تکلیف برای ما ایجاد آرامش است و ایجاد رفاه است» (همان، ج ۱۴، ص ۱۴۹).

- حمایت از پیروان: مردم ایران در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با خون خود، نهال نوری انقلاب اسلامی را آبیاری نموده و خدمات شایانی را ارائه کردند. همچنین دانشوران و اندیشمندان کشور، که به واسطه توانایی‌های علمی و تخصصی خود زمینه رشد و شکوفایی جامعه را فراهم آوردند، همواره مورد حمایت حضرت امام قرار می‌گرفتند و ایشان در این‌باره به دولت وقت می‌فرماید:

همه ما باید برای خدمت به توده‌هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده‌اند، کوشش کنیم و دولت باید آنها را مقدم بدارد و مغزهایی را که مشغول به کارند تشویق بکند. دولت باید این فرصت را، که در این کشور افرادی پیدا می‌شوند که خودشان می‌توانند کارها را انجام بدهند، غنیمت به‌شمارد و به‌تدریج، ان‌شاءالله، به آنجایی برسد که ما دیگر به خارج احتیاجی نداشته باشیم و مسلماً اینها تشویق می‌خواهند» (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۳).

- احترام و تجلیل از پیروان: احترام به دیدگاه‌ها و آرای پیروان و تجلیل و قدردانی از تلاش کارآفرینی نیروی انسانی در مدیریت و رهبری، در سایه اظهار تواضع به پیروان و تحمل انتقادات و به‌جان پذیرفتن نصایح و رهنمودهای راهگشای آنان میسر می‌شود. اینها هریک، نماد خدمت‌گزاری برای کارگزاران و مدیران به‌شمار می‌رود. بر تفاهم و همدلی بین رهبر و پیرو می‌افزاید. از جمله حقوقی که اسلام در چارچوب موازین شرعی و احکام مقدس اسلامی برای انسان قایل شده، «حق انتخاب» است. امام خمینی علیه السلام با الهام از این مبانی و احترام به آرای ملت شریف ایران، تعیین سرنوشت جامعه را بر عهده خودشان قرار داده است: «مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است» (همان، ج ۱۸، ص ۳۶۷).

- ایجاد تفاهم و همدلی: اندیشه رهبر خدمتگزار، جهت‌دهی حرکت کلی جامعه به‌سوی همدلی و تفاهم است. در این عرصه، زمینه انجام فعالیت‌های مهم و اساسی به سهولت فراهم گردیده و گام‌های بلند در مدت کوتاهی برداشته می‌شود. امروزه، پویایی و بالندگی مدیریت و رهبری در نظام‌های بشری در گرو تفاهم، همدلی و هماهنگی با مردم میسر می‌شود. چنان‌که در جوامع غربی از این اهرم، در

جهت دستیابی به سودآوری اقتصادی، استفاده بهینه می‌شود. همدلی و همکاری در جوامع اسلامی، بر اساس رهنمودهای الهی با رویکرد ارزشی به انسان و ارج نهادن به کرامت نفسانی او، صبغه خدایی به خود می‌گیرد. از این رو، امام خمینی علیه السلام همدلی و هماهنگی میان دولت و ملت را موجب حفظ و پایداری نظام جمهوری اسلامی می‌داند: «همه ملت از دولت‌اند و دولت هم از ملت است. دولت و هرچه متعلق به دولت است خدمتگزار ملت است و ملت هم پشتیبان دولت، و تا این هماهنگی میان همه قشرها هست، آسیب نخواهد دید این جمهوری اسلامی» (همان، ج ۱۶، ص ۳۸۸).

۴. مشارکت‌جو

مدیران و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، باید کارکنان و افرادی که در تأمین و تحقق هدف‌های سازمانی نقش دارند، در تعیین هدف‌ها، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌هایشان مشارکت دهند. در این رابطه، حضرت امام با تکیه بر آموزه‌های دینی، به ترویج و توسعه فرهنگ مشارکت همت‌گمارد و قیام‌های پراکنده مردم را به انقلابی خروشان مبدل ساخت و پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، این مشارکت را به سمت تحقق خودکفایی، استقلال همه‌جانبه و مبارزه و مقابله با قدرت‌های استکباری سوق داد. امروزه نیز همه مشارکت‌جویی و تمام‌عیار در آن دارند:

مردم را در همه امور شرکت بدهیم. دولت به‌تنهایی نمی‌تواند که این بار بزرگی که الان به دوش این ملت هست بردارد. همان‌طوری که ملاحظه می‌کنید، چنانچه این شور و شغف ملت و جوان‌های عزیز نبود، هیچ دولتی نمی‌توانست مقابله کند با این قدرت‌هایی که همه قدرتش را، قوه‌شان را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند. بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم (همان، ج ۲۰، ص ۵۵).

ویژگی «مشارکت‌جو» دارای شاخص‌های «باور کردن پیروان»، «مشورت‌پذیری»، «تعمیم مسؤلیت‌پذیری»، «حفظ پیروان در صحنه»، «توصیه به همکاری و تعاون در بین پیروان»، «قدرت‌بخشی» و «تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا» به شرح زیر است:

- باور کردن پیروان: از دیدگاه حضرت امام، هر حرکت سازنده و موفق بدون باور کردن توان و قدرت پیروان و بدن ایجاد اعتماد به نفس در آنان ممکن نیست. ایشان با تکیه بر ظرفیت و توان پیروان خویش، توانست نظام مقدس جمهوری اسلامی را در ایران بنیان نهد و از مشارکت فراگیر و همه‌جانبه مردم در حل بحران‌های گوناگون و دفع تهدیدهای محیطی و استکباری استفاده کند. چنان‌که می‌فرماید:

ما از اول هم امیدمان به ملت و جوان‌های برومند ملت بود. ما همیشه توجه‌مان به خود ملت، به نیروی انسانی - الهی ملت بوده است و با استعداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیل کرده جوان، بازاری‌ها از همین طبقات به قول آنها «طبقات پایین»، و به قول طبقات بالا، استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند و اینها هستند که می‌توانند به پیش ببرند (همان، ج ۱۰، ص ۳۹۸).

- مشورت‌پذیری: مشارکت با شور و رایزنی تحقق می‌یابد. اصل شورا در واقع از عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین اصل عقلانی است که در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مورد تأیید و تأکید دین مقدس اسلام نیز قرار گرفته است. مدیران باید همواره در جهت رفع مشکلات، مصون ماندن از لغزش‌ها و خطرات و بیرون رفتن از بن‌بست‌ها، از اندیشمندان، صاحب‌نظران و افراد مجرب، نظرخواهی و مشورت نمایند. از این‌رو، حضرت امام به وکلای مردم در مجلس می‌فرماید:

مجلسیان در تصویب لویحی که از ارگان‌ها به آنها می‌رسد با تحقیق و تدقیق و مراعات موازین اسلامی تسریع نمایند و مواردی که احتیاج به تشخیص متخصصین دارد از آنان دعوت و مشورت و نظرخواهی نمایند (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۷).

- تعمیم مسئولیت‌پذیری: یکی از راهکارهای مشارکت‌جویی در سیره‌مدیریتی امام، که مَلْهَم از سیره نبوی و علوی است، تعمیم و مسئولیت‌پذیری در میان پیروان است. ایشان با توجه به معرفت و رویکرد عاشقانه پیروان خویش به مکتب ناب محمدی، آنان را مسئول حفظ و بقای اسلام می‌دانست و از پیروان خویش می‌خواست با آینده‌نگری و از خودگذشتگی به کشور اسلامی خدمت کنند:

باید ما خودمان این کشور خودمان را نگه داریم. همه ملت، همه افراد مسئول هستند، خصوصاً دانشگاه مسئولیت دارد در این امور، باید دانشگاه خودش را مجهز کند برای اینکه جوان‌ها را بسازد. آتیه این کشور را باید از حالا شما پی‌ریزی کنید. ما فقط به فکر خودمان و زمان حال نباید باشیم. ما باید به فکر آینده کشور باشیم، برای اینکه اسلام است. آینده اسلام باید محفوظ بماند. آینده کشور باید محفوظ بماند. نسل‌های آینده باید این معنا را بفهمند که از اینجا شروع شده است. برای حفظ این کیان اسلام و کیان کشور (همان، ج ۱۵، ص ۴۳۴).

- حفظ پیروان در صحنه: موفقیت، کارآیی و اثربخشی مدیران وابسته به حضور گسترده پیروان در صحنه است. از آنجاکه حضرت امام اعتقاد راسخ به نقش کلیدی مردم در پیروزی انقلاب و حفظ آن داشت، خطاب به دولت‌مردان بر لزوم و اهمیت حفظ مردم در صحنه تأکید می‌نمود: «... همه اطلاع دارید که آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم» (همان، ج ۱۹، ص ۴۰۷).

- توصیه به همکاری و تعاون در بین پیروان: حضرت امام در دیدار عده‌ای از کارکنان، ضمن تقدیر از روحیه همکاری و تعاون ملت می‌فرماید:

من باید تشکر کنم از این ملت که همچو حس امانت درشان پیدا شده است، حس تعاون پیدا شده است، که خودشان باید انتظار از اینکه قوه‌های دیگری به آنها کمک کند، خودشان قیام کردند، و در همه مسائل با قدرت پیش رفتند (همان، ج ۱۲، ص ۸۴).

- قدرت‌بخشی: مدیران و رهبران با ایجاد خودباوری و القای توانمندی انجام امور در پیروان، موجب می‌شوند تا آنان به قدرتی فزاینده دست یافته و در انجام فعالیت‌ها به صورت کارا و اثربخش مشارکت نمایند. چنان‌که حضرت امام این‌گونه عمل می‌کرد:

امروز احساس این است که می‌توانیم، این احساس، توانایی می‌آورد. این احساس افکار را متوجه و متمرکز می‌کند که هر کسی در هر جایی هست کار بکند. در هر جایی هست خدمت بکند تا با این احساس مادامی که هست، شما به پیش می‌روید. من امیدوارم که این احساس همیشه باشد و همیشه کشور شما به پیش برود، و یک روزی باشد که هر چیزی که هر جا درست می‌کردند، خود شما هم درست بکنید (همان، ج ۱۸، ص ۱۶۱).

- تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا: یکی از امور لازم در کشور برای مدیران و رهبران، ایجاد گروه‌های کاری توانمند است تا بتوانند پدیده هم‌افزایی و بهبود عملکرد را محقق گردانند. اصولاً گروه‌های کاری توانا، راهکاری مؤثر هستند که افراد را گردهم می‌آورند تا با همفکری و تبادل اطلاعات، مسایل و مشکلات را حل نمایند. از این‌رو، حضرت امام خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌فرماید:

چنین مجلسی در کمیسیون‌های مختلفش، کارشناسان و متخصصان متعهد و زبردست لازم دارد. هر چند برای مشورت در هر رشته خصوصاً در سیاست خارجی و نیز سیاست اقتصادی که امروز از اهم امور است، از اشخاص کاردان دعوت کنند و چون مقصد همه ان‌شاءالله پیشرفت احکام اسلام و خدمت به بندگان خدای متعال است، باید از اینکه از خارج مجلس استمداد می‌کنند خوشوقت باشند (همان، ج ۱۸، ص ۴۶۳)

۵. وحدت‌بخشی

حضرت امام در دوران معاصر یکی از منادیان بزرگ وحدت اسلامی به‌شمار می‌آمد که در طول انقلاب به وحدت می‌اندیشید و در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، به‌ویژه در مدیریت و رهبری نظام به آن تأکید بسزایی می‌کرد. یکی از ویژگی‌های رابطه‌گرایی مدیران با توجه به سیره‌مدیریتی امام

«وحدت بخشی» است. این مفهوم دارای سه شاخص «وحدت در هدف»، «وحدت در نیروها» و «وحدت در روش» به شرح زیر است:

– وحدت در هدف: اساسی ترین هدف مقدس و ارزشی امام خمینی علیه السلام در دوران انقلاب اسلامی، معرفی تعالیم و رهنمودهای حیات بخش اسلام، احیا، اجرا و پیشرفت جهانی آن بود. از آنجایی که این مهم بدون برپایی حکومت اسلامی میسر نمی شود، ایشان پیش از پیروزی انقلاب، پیروان خود را جهت برپایی چنین حکومتی به وحدت فرامی خواند. از این رو، امام در ضمن تحلیل عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، به عامل وحدت در هدف و اتکای به قرآن مجید به عنوان رمز پیروزی یاد می کند: «باید این رمز پیروزی را که وحدت کلمه و اتکا به قرآن مجید است حفظ کنیم و همه با هم پیش برویم و حکومت جمهوری اسلامی را در ایران مستقر کنیم» (همان، ج ۶، ص ۴۰۶).

– وحدت در نیروها: وحدت پیروان در جامعه اسلامی، مسیر دستیابی به هدف های یاد شده را هموار کرده، نیروهای اسلامی را از تفرقه، جناح بازی و گروه اندیشی حفظ می کند. از این رو، امام با همسو کردن هدف ها، هم به وحدت داخلی (درون مرزی) و هم به وحدت خارجی (برون مرزی) بین مسلمانان می اندیشید. آنان را به وحدت فرامی خواند. ایشان دعوت خویش را گاهی به آیات قرآن و کلام نورانی اهل بیت علیهم السلام نیز نسبت می داد:

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: «واعتصموا بحبل الله اجتمع» لکن اجتماعی با تثبیت به حبل الله هر اجتماعی مطلوب نیست. «واعتصموا بحبل الله» مطلوب است. همان است که «اقرا باسم ربک» «اسم رب» همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند (همان، ج ۸، ص ۳۳۴).

– وحدت در روش: ثبات نظام اسلامی و دستیابی به هدف های بلند اسلامی، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و ... علاوه بر وحدت در هدف و وحدت در نیروها، به «وحدت در روش» نیز نیازمند است؛ یعنی مدیران و کارگزاران جامعه اسلامی باید با روش برگرفته از مبانی و اصول اسلامی، مجموعه های اداری خود را مدیریت کنند. امام در این باره می فرماید:

قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است. همگی باید سعی کنیم هر حرکتی، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، که انجام می دهیم به آن کلیت صدمه نزنند. ترسیم کلیت متخذ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را برعهده دارد (همان، ج ۲۱، ص ۶۴، ۲۲/۳/۱۳۶۷).

۶ اعتماد به نفس بخشیدن

آدمی با شناخت استعدادها و سرمایه های وجودی خویش، شخصیت حقیقی خود را باور و احساس می کند و در عرصه های گوناگون زندگی، با خوداتکایی و اعتماد به نفس، بدون وابستگی به سایر قدرت ها فعالیت می کند. از این رو، امام همواره به پیروان خویش بر خودشناسی، خودباوری و احساس شخصیت، به عنوان یکی از عوامل مهم رویکرد به استقلال، تأکید می کرد: «تا ما خودمان را پیدا نکنیم... نمی توانیم مستقل بشویم» (همان، ج ۱۱، ص ۲۲۷).

اعتماد به نفس، یکی از ویژگی های رابطه گرایانه مدیران است که دارای پنج شاخص «استقلال فکری»، «پرهیز از غرب زدگی»، «عزت طلبی»، «استقامت و تحمل مشکلات» و «نهراسیدن از دشمن» به شرح زیر است:

– استقلال فکری: آزاداندیشی و استقلال فکری پیروان بدون تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، مبنای بنیادینی برای خوداتکایی و استقلال نظام اسلامی است: «تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید» (همان، ج ۱۰، ص ۳۹۲).

– پرهیز از غرب زدگی: منطق خوداتکایی با الهام از رهنمودهای الهی، در حوزه سیاست خارجی و برقراری روابط با سایر کشورها «سلطه ناپذیری از بیگانه» است: «ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد» (همان، ج ۴، ص ۹۱).

– عزت طلبی: مفهوم «عزت» و «سرافرازی» در سیره نظری امام، در برابر ذلت و زبونی، نمادی از خوداتکایی است. ایشان با الهام از رهنمودهای وحیانی و ارزش های اسلامی، معتقد است که عزت و سرافرازی مدیران و پیروان در انجام تکالیف الهی و پیروی از یگانه آفریدگار جهان و خدمت گذاری به انسان هاست، نه در اطاعت از قدرت های شیطانی و تن دادن به اوامر و نواهی آنان؛ چنان که می فرماید:

اکنون وظیفه همه مسلمین، خصوصاً جناح روحانی و سیاسی و بزرگان قوم، خطیر است. ملت ما بر سر دوراهی است: پیروزی و توفیق دست یافتن به بیرون کردن شاه، و یا تا آخر در زیر چکمه دژخیمان خرد شدن؛ با عزت و سرافرازی در مقابل خالق و خلق، و یا خدای ناخواسته ذلت و زبونی همیشگی. و هرگز ملت مسلمان ایران تن به ذلت نخواهد داد» (همان، ج ۳، ص ۴۵۴).

– استقامت و تحمل مشکلات: امام خمینی علیه السلام با توجه به آیات الهی (هود: ۱۲؛ شوری: ۱۵)، استقامت و پایداری پیروان را برای دستیابی به استقرار اسلام، اجرای عدالت و کوتاه کردن دست ستمکاران، تکلیف الهی به شمار آورده، بر این باور است از آنجایی که انقلاب اسلامی، به خلاف سایر انقلاب های

وابسته به شرق و غرب، متکی به مردم است، مردم علاوه بر اینکه نباید از پیامدهای انقلاب گلایه‌مند باشند، بلکه باید خود را پذیرای مشکلات، توطئه‌ها و کاستی‌های آن نمایند. در این راستا، با اشاره به زندگی پرفرازونشیب صدر اسلام و محاصره اقتصادی مسلمانان در آن زمان، بر الگو قرار دادن پیام‌آور گرامی اسلام در پایداری و تحمل مشکلات تأکید می‌کند:

مهم... انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده‌اند و مردم باید آن را به آخر برسانند... پس مردم باید از پیامدهای انقلابشان گله نداشته باشند. امروز کشور ایران روی پای خودش ایستاده است... ما هم تا آخر، زحمت‌ها و رنج‌های توطئه ابرقدرت‌ها را باید تحمل کنیم. ما موظف هستیم تا امر الهی را انجام دهیم. پس، از سختی‌ها نباید هراس داشته باشیم (همان، ج ۱۹، ص ۵۴).

– نه‌راسیدن از دشمن: هراس از دشمن برای هر کس و یا ملتی، یک ضعف بزرگ به‌شمار می‌رود، به‌ویژه اگر آن فرد دارای جایگاه و مسئولیت تأثیرگذاری در جامعه باشد. این هراس، می‌تواند شخص مدیر یا رهبر را در انجام امور مدیریتی خود ناتوان و ناموفق سازد. از آنجاکه به‌طور طبیعی، نزدیکی به مرکز قدرت، نقش مؤثری در هراس‌زدایی دارد. اما پیروان خود را به اتصال به قدرت حقیقی، که همان قدرت الهی است، دعوت می‌نماید تا با چنین پشتوانه‌ای هرگونه هراس از دشمن را از دل‌ها بزدايد و در این ارتباط می‌فرماید: «این همه دعوت شده است که به کس دیگری غیر از خدا متشبث نشوید، برای اینکه به شما تزریق کنند قوت را، که شما یک پشتوانه عظیم دارید و او خداست. کسی که خدا را دارد، از چه باید بترسد» (همان، ج ۱۸، ص ۴۲۶).

۷. سخنگوی پیروان

از آنجاکه، رهبر رابطه‌گر خود را خدمتگزار پیروان می‌داند، درصدد است تا به آگاهی از خواسته‌ها و گرایش‌های نیروی انسانی، زبان‌گویای آنان در بین مدیران و کارگزاران نظام بوده، همه امکانات و مقدرات را برای تأمین هدف‌های نیروی انسانی بسیج کند. حضرت امام درباره این مطلب و در پاسخ به پرسش خبرنگار رادیو – تلویزیون فرانسه، [چگونه است که به دنبال فراخوان شما، مردم ایران چنان انبوه به کوچه‌ها می‌ریزند؟]، چنین اظهار می‌دارد: «چون ملت، ما را خدمتگزار به اسلام و کشور می‌داند و ما مسائلی را طرح می‌کنیم که سال‌هاست در نهاد ملت است. بدین جهت است که ما بیان‌کننده خواسته‌های ملت هستیم» (همان، ج ۳، ص ۴۶۸).

از آنجایی که خواسته‌های مردم در چارچوب موازین اسلامی، از گستردگی زیادی برخوردار است، به برخی از آنها از زبان امام اشاره می‌شود:

– اسلام‌گرایی: اولین شاخص برای ویژگی سخنگوی پیروان، «اسلام‌گرایی» است. در دوران ستم‌شاهی، مردم ایران از ظلم‌هایی که به آنها روا می‌شد، به ستوه آمده بودند و زمینه تزلزل پایه‌های دینی و اسلامی نیز در خانواده‌های ایرانی رو به رشد بود. تا اینکه به رهبری حضرت امام، انقلاب به پیروزی رسید و یکی از هدف‌ها و خواسته‌های مردم یعنی «اسلام» تحقق یافت:

ملت اسلام را می‌خواهد، ملت کشور خودش را هم که می‌خواهد برای اسلام است. از بچه‌های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می‌زدند. این نهضت برای همین صبغه اسلامی‌اش و برای همین که مقصد اسلام بود و قیام برضد طاغوت، قیام برضد کسانی که اسلام را می‌خواستند به فراموشی بسپارند، یک قیامی بود که خدای تبارک و تعالی مدد فرمود (همان، ج ۸، ص ۷۶).

– تأمین استقلال: وابستگی رژیم پهلوی در نیازهای فرهنگی، اقتصادی و صنعتی مردم به بیگانگان شرق و غرب تا حدی بود که استقلال کشور از آنان دور از ذهن بود، اما هدایت و رهبری روحانیت و در رأس آن رهبر کبیر انقلاب اسلامی، این باور را در مردم زنده کرد که «ما می‌توانیم» و این امر سبب شد تا به یاری حق تعالی و فداکاری مردم ایران دست بیگانگان از مملکت کوتاه شود و با بهره‌گیری از توانایی‌های علمی – تخصصی، مبتکران و متخصصان ایرانی «استقلال» را، که از آرزوهای دیرین مردم این مرز و بوم به‌شمار می‌آمد، برای جامعه اسلامی ایران به ارمغان آورد. از این رو، حضرت امام به استقلال و خودکفایی به‌عنوان یکی از خواسته‌های مردم اشاره می‌کند: «ما می‌خواهیم مملکتمان از خودمان باشد مستقل باشد و تحت رهبری دیگران نباشد. ما می‌خواهیم مخازن مملکت ما از خودش باشد. ما می‌خواهیم در این مملکت خودمان کار بکنیم و خودمان نتیجه کار را ببریم» (همان، ج ۱۳، ص ۵۸).

– تأمین آزادی: سرنوشت کشور و ملت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به دست شاه و ایادی خارجی او بود؛ به این معنا که هرگونه تغییر یا اصلاح در امور جامعه، بدون خواست آنان ممکن نبود. از این رو، بی‌بندوباری و فساد در جامعه، به اسم آزادی رشد فزاینده‌ای یافته، به‌گونه‌ای که به کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و معنوی و از بین رفتن باورهای مردم و انحراف آنان از مسیر رشد و رویش منجر گردید. حضرت امام در انتقاد و اعتراض به این وضعیت و اعطای آزادی چنین می‌فرماید:

این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟! مگر آزادی اعطا شدنی است؟! خود این کلمه جرم است. کلمه اینکه «اعطا کردیم آزادی را» این جرم است. آزادی مال مردم هست، قانون آزادی داده، خدا آزادی داده به مردم، اسلام آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم. «اعطا کردیم» چه غلطی است؟ به توجه که اعطا بکنی؟ تو چه کاره هستی اصلش؟ «اعطا کردیم آزادی را بر مردم!» آزادی این است که می‌بینید. آزادی اعطایی که آزادی – حقیقاً – نیست، این است که می‌بینید. برای این است که مردم را اغفال کنند (همان، ج ۳، ص ۴۰۶).

نیروی انسانی در اداره امور، «امیدبخشی» است. چنان‌که امام خمینی^ع، این‌گونه پیروان خود را نسبت به آینده امیدوار می‌کرد: «برادران عزیز، مأیوس نباشید: «لا تأسوا من روح‌الله» از آن چیزهایی که خدا عنایت به شما می‌کند و از آن عنایات الهی مأیوس نباشید...» (همان، ج ۱۷، ص ۶۰).

- نوید پیروزی و عظمت: با ژرف‌نگری در سیره نظری و عملی امام معلوم می‌شود که مدیران و رهبران اسلامی، با الهام از رهنمودهای الهی بر این باورند که در حیات فردی و اجتماعی بشر چیزی به نام «شکست» وجود ندارد. آنچه به دست می‌آید، فقط نتیجه است و بس. اگرچه نتیجه به دست آمده، مطلوب آنان نباشد، ولی نتیجه‌ای به بار آمده است. زیرا آنان به تکلیف قایل‌اند نه نتیجه. روشن است تکلیف، نتایجی را در پی خواهد داشت. نتایج مثبت از صحت تکلیف انجام‌یافته حکایت دارند. نتایج منفی نیز ما را به آزمودن شیوه‌های معقول و درست فرامی‌خوانند، نه به افسوس و دریغ خوردن بر گذشته و نتایج اذیت‌رسانه. آدمی تا زنده است شکست نخورده است و این باور افراد موفق است. افراد همواره موفق می‌شوند نوعی نتیجه به دست آورند، خواه مثبت و یا منفی؛ آنان نتیجه را تجربه به‌شمار می‌آورند که بر میزان شناخت آنها افزوده است (رضاییان، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۵۰-۳۵۱)، چنان‌که امام خمینی^ع می‌فرمود: «کسی که رابطه با خدا دارد شکست ندارد» (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۹).

- نوید رفاه: امام خمینی^ع به پیروان خود اطمینان می‌دهد که در سایه پیروی از اسلام به تندرستی، آرامش و سعادت در زندگی دست می‌یابند: «من به شما اطمینان می‌دهم که شما در جوار اسلام با طمأنینه، با سلامت، با سعادت زندگی خواهید کرد» (همان، ج ۶، ص ۵۲۷).

ایشان ضمن بشارت به پیروزی و عظمت، به رفاه و معنویت (ناشی از روح پاک و مهذب) پیروان، در پرتو وحدت نیروها و وحدت در هدف (اسلام و نظام اسلامی) نوید می‌دهد:

من امیدم به شما جوان‌های برومند عزیز و سایر طبقات ملت است. من نوید پیروزی به شما می‌دهم: من نوید استقلال، من نوید عظمت، من نوید رفاه، من نوید معنویت، من یک روح پاک، یک روح آزادمنش، یک روح مهذب به شما می‌دهم به شرط آنکه همه با هم به سوی جمهوری اسلامی و به سوی اسلام. از خداوند تعالی عظمت، سلامت، عزت همه ملت اسلامی را می‌خواهم (همان، ج ۶، ص ۳۵۴).

نتیجه‌گیری

سبک رابطه‌گرایی با فراوانی ۱۵۸۶ فیش استخراج‌شده، دارای هشت ویژگی می‌باشد که ویژگی «خدمت‌گزاری» با فراوانی ۴۶۸ و ویژگی «بصیرت‌بخشی» با فراوانی ۴۰۹ بالاترین مرتبه قرار گرفته‌اند. ولی ویژگی‌های دیگر با ۶ پراکندگی عبارتند از: «وحدت‌بخشی» با فراوانی ۱۸۹ و «اعتماد به نفس» با

- استقرار حکومت اسلامی: ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ از رژیم منحن شاهنشاهی رنج برده و در پنجاه و چند سال سلطنت غیرقانونی سلسله پهلوی همه منبع و ثروت کشور از بین رفته است، به خواست خداوند متعال به پاخاسته و در سراسر کشور با اراده‌ای مصمم، خواستار نابودی رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی شدند. خواست آنان، آزادی، استقلال و برقراری حکومت عدل است که سرلوحه حقوق بشر، مورد تأیید جوامع انسانی و بالاتر از آن، مورد رضای خدای بزرگ است (همان، ج ۵، ص ۷۳). از جمله وظایف اساسی جمهوری اسلامی، تأمین استقلال، آزادی ملت، مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانینی است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی اصلاحات لازم را به عمل آورد (همان، ج ۵، ص ۱۵۵). از این‌رو، معمار انقلاب اسلامی ایران همراه و هماهنگ با پیروان خود، به جز استقرار حکومت اسلامی به هدف دیگری نمی‌اندیشید:

من در اول فرصتی که پیدا کنم به خواست خدا می‌روم ایران و اول قدمی که برمی‌دارم تأسیس می‌کنم یک دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلامی، مبتنی بر رأی مردم، پیشنهاد می‌کنیم به مردم و رأی از آنها می‌گیریم و یک حکومت اسلامی تأسیس می‌کنیم (همان، ج ۵، ص ۵۴۸).

- اجرای عدالت: عدم اجرای عدالت در جامعه، از جمله مواردی بود که ملت ایران در زمان طاغوت از آن رنج می‌بردند. تبعیض و بی‌عدالتی گسترده شده بود. به دست توانای حضرت امام و پشتیبانی خیل عظیم مردم ایران این رژیم برچیده شد. در این برهه، مردم خواستار رفع نابرابری‌ها و اجرای عدالت بودند: «آنکه دست ظلم را از شما کوتاه کرده است و عدالت را می‌خواهد اجرا کند همین ملت است. همین جوان‌هایی هستند که الان در راه اسلام فداکاری می‌کنند» (همان، ج ۲۰، ص ۲۵۱).

- حق نظارت و ارزیابی برای پیروان: از آنجایی که در حکومت اسلامی سرنوشت مردم در دست خودشان است (همان، ج ۱۸، ص ۳۶۷)، نظارت و ارزیابی امور جاری در جامعه «حق» قانونی آنان است. امام خمینی^ع در پاسخ به پرسش خبرگزاری رویتر انگلیسی، این حق را برای ملت شریف ایران قایل شده است: «این حکومت در همه مراتب خود، متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» (همان، ج ۴، ص ۱۶۰).

۸. امیدبخشی

یکی از ویژگی‌های رابطه‌گرایی مدیران در ایجاد انگیزش، حفظ قدرت روحی، کارایی و اثربخشی

فراوانی ۱۴۴ و «ایجاد تحول روحی معنوی در پیروان» با فراوانی ۱۳۳ و «مشارکت‌جو» با فراوانی ۱۱۹ و «سخنگوی پیروان» با فراوانی ۹۴ و «امیدبخشی» با فراوانی ۳۰ به ترتیب در الویت سوم تا هفتم قرار گرفته‌اند. چنانکه در جدول زیر نمایان است:

جدول ۱. توزیع فراوانی، درصد و درصد تراکمی ویژگی‌های رهبری رابطه‌گرا

رفیف	ویژگی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱	خدمت‌گزاری	۴۶۸	۲۹/۵	۲۹/۵
۲	بصیرت‌بخشی	۴۰۹	۲۵/۸	۵۵/۳
۳	وحدت‌بخشی	۱۸۹	۱۱/۹	۶۷/۲
۴	اعتماد به نفس	۱۴۴	۹/۱	۷۶/۳
۵	ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان	۱۳۳	۸/۴	۸۴/۷
۶	مشارکت‌جو	۱۱۹	۷/۵	۹۲/۲
۷	سخنگوی پیروان	۹۴	۵/۹	۹۸/۱
۸	امیدبخشی	۳۰	۱/۹	۱۰۰
	جمع	۱۵۸۶	۱۰۰	*

۱. ویژگی خدمت‌گزاری: دارای پنج شاخص احترام و تجلیل از پیروان، ایجاد تفاهم و همدلی، توجه به محرومان، حمایت از پیروان و ایجاد رفاه امنیت برای همه اقشار، به ترتیب با فراوانی ۲۲۴ و ۱۰۹ و ۷۰ و ۴۲ و ۲۳ است.

- شاخص احترام و تجلیل از پیروان: دارای پنج شاخص فرعی تجلیل از پیروان، و قدردانی از پیروان، احترام به آرای پیروان، تواضع و نصیحت‌پذیری و تحمل انتقادات به ترتیب با فراوانی ۱۰۲ و ۶۴ و ۲۲ و ۲۱ و ۸ است.

- شاخص ایجاد تفاهم و همدلی: دارای سه شاخص فرعی ارتباط روحی و عاطفی با پیروان و جلب رضایت پیروان و ارتباط چهره به چهره، به ترتیب با فراوانی ۶۷ و ۲۷ و ۱۲ است.

۲. ویژگی بصیرت‌بخشی: دارای شش شاخص توجه دادن به ارزش‌ها و باورهای دینی، تبدیل تهدید به فرصت، اطلاع‌رسانی، رعایت اولویت، اکتفا نکردن به وضع موجود، ارتقای سطح دانش عمومی، پیروان به ترتیب با فراوانی ۲۱۴ و ۱۰۷ و ۴۱ و ۲۴ و ۱۸ و ۵ است.

- شاخص توجه دادن به ارزش و باورهای دینی: دارای هفت شاخص فرعی تقوا و اخلاص در عمل، اتکال به خدا، ظلم‌ستیزی، ساده‌زیستی، پاسدار ارزش‌های ملی و مردمی، صداقت و امانت، تمسک به قرآن، به ترتیب با فراوانی ۶۴ و ۶۳ و ۳۱ و ۲۶ و ۲۰ و ۷ و ۲ است.

- شاخص تبدیل تهدید به فرصت: دارای دو شاخص فرعی دشمن‌شناسی و هشدار نسبت به توطئه‌ها، و عبرت‌پذیری از تجارب و تاریخ، به ترتیب با فراوانی ۹۸ و ۹ است.

۳. ویژگی وحدت‌بخشی: دارای سه شاخص وحدت در نیروها، وحدت در هدف، و وحدت در روش، به ترتیب با فراوانی ۱۵۳ و ۳۳ و ۳ است.

۴. ویژگی اعتماد به نفس: دارای پنج شاخص استقامت و تحمل مشکلات، نهراسیدن از دشمن، استقلال فکری، پرهیز از غرب‌زدگی و عزت‌طلبی، با فراوانی ۵۱ و ۳۴ و ۲۵ و ۲۰ و ۱۴ است.

۵. ویژگی ایجاد تحول روحی و معنوی در پیروان: دارای سه شاخص شهادت‌طلبی، فداکاری و شجاعت، و تعهد به ترتیب با فراوانی ۵۴ و ۵۰ و ۲۹ است.

۶. ویژگی مشارکت‌جو: دارای هفت شاخص حفظ پیروان در صحنه، توجه به همکاری و تعاون در بین پیروان، تعمیم مسئولیت‌پذیری، تأکید بر ایجاد گروه‌های کاری توانا، مشورت‌پذیری، و قدرت‌بخشی، به ترتیب با فراوانی ۳۶ و ۳۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۸ و ۷ و ۶ است.

۷. ویژگی سخنگوی پیروان: دارای شش شاخص تأمین استقلال، تأمین آزادی، اسقرار حکومت اسلامی، اسلام‌گرایی، اجرای عدالت، و حق نظارت و ارزیابی برای پیروان، به ترتیب با فراوانی ۲۵ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۱ و ۱۰ و ۶ است.

۸. ویژگی امیدبخشی: دارای دو شاخص نوید پیروزی و عظمت و نوید رفاه، به ترتیب با فراوانی ۲۸ و ۲ است.*

منابع

- اُزگلی، محمد (۱۳۷۴)، معرفی نظریه رهبری بصیر از دیدگاه چند تن از صاحب نظران رهبری نوین، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه امام حسین.
- توفیق آگاه، فیروزان (۱۳۶۰)، مجموعه مقالات، تهران، بعثت.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۸)، روش تحقیق در مدیریت، چ چهارم، تهران، بازتاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- رضاییان، علی (۱۳۸۷الف)، مبانی رفتار سازمانی، چ نهم، تهران، سمت.
- _____ (۱۳۸۷ب)، اصول مدیریت، چ بیستم، تهران، سمت.
- _____ (۱۳۸۸)، مبانی سازمان و مدیریت، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، چ چهارم، تهران، صدرا ج ۲.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).